

## تفاوت نسلی در کیلان غرب

هدف از انجام پژوهش حاضر، « بررسی جامعه شناختی تفاوت نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی (ازدواج) بین دو نسل جوانان و والدین شهر کیلان غرب در سال ۸۵-۱۳۸۴ » است. به همین منظور، از بین جوانان (سنین ۲۰-۲۵ سال) و والدین (سنین ۴۰-۶۰ سال) شهرستان کیلان غرب ۲۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. روش پژوهش، روش پیمایشی از نوع توصیفی - تبیینی است. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های خام از طریق آمار توصیفی و آمار استنباطی شامل آزمون‌های  $t$ -test دو، ضریب همبستگی اسپیرمن و  $t$ -test گروه‌های مستقل انجام شد. نتایج نشان داد که بین نگرش دو نسل در مورد سن ازدواج پسران تفاوت معناداری وجود دارد، در حالی که در مورد سن ازدواج دختران میان نگرش دو نسل تفاوت معناداری نیست. همچنین در خصوص بعضی از نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی مربوط به ازدواج بین دو نسل و نیز میان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد. ارتباط میان سطح تحصیلات پاسخگویان و میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب تأیید شد و ارتباط متغیر مذکور با میزان استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری تأیید نشد. دست‌آورد این پژوهش، دست‌آوردی است که از نظر استفاده از رسانه‌های ششگانه (کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ویدئو و ماهواره) تفاوت معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: تفاوت نسلی، ارزش‌ها و نگرش‌ها، رسانه‌ها

احمد پیشه‌ور  
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

علی احمد الفتی  
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی  
olfaty\_182@yahoo.com

## مقدمه

بررسی تفاوت نگرش‌ها و ارزش‌های دو نسل والدین و فرزندان در قلمرو مطالعات بین نسلی دارای قدمت طولانی است. جامعه‌شناسان با استفاده از دو رویکرد جامعه‌شناختی خرد و کلان به کشف روابط بین نسلی در سطح گسترده‌ای نائل آمده‌اند. در جامعه ما نیز طی چند سال اخیر، توجه نسبتاً زیادی به بررسی این روابط به ویژه در سطح خرد (روابط بین نسلی در سطح خانواده در نقش‌های والدین - فرزندان) معطوف گردیده است. بخشی از این مطالعات در حیطه شناخت تفاوت نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان صورت گرفته که پژوهش حاضر نیز عهده دار بررسی همین مسئله است.

برای بررسی تفاوت نگرش‌ها و ارزش‌های نسل قدیم و نسل جدید باید به بحث درباره نحوه اجتماعی شدن فرد و یا تفاوت و تعارض بین منابع اجتماعی شدن یا جامعه پذیری پرداخت که موجب می‌شود فرد با چندین نگرش و ارزش مختلف و گاه در تعارض با هم روبرو شده و در نتیجه، از تصمیم‌گیری و انتخاب باز مانده، سردرگم شود و یا دست به طغیان و مخالفت زند. مفهوم اجتماعی شدن (socialization) فراگردی است که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه‌شان را یاد می‌گیرند، شخصیتی پیدا می‌کنند و آمادگی عملکرد به عنوان عضو یک جامعه را پیدا می‌کنند.

تغییرات اجتماعی و فرهنگی در مقیاس‌ها و حوزه‌های مختلف، موضوعی است که همواره مورد توجه جامعه‌شناسان بوده است. جامعه‌شناسان با توجه به بسط و گسترش حوزه‌های نظری و تجربی جامعه‌شناسی و نیز تغییرات صوری و نوعی حادث شده در جوامع انسانی موضوع را به صورت مشخص‌تر و انضمامی‌تر مورد توجه قرار داده‌اند.

ارزش‌ها وسیله همبستگی اجتماعی‌اند و انتقال ارزش‌ها باعث پیوستگی فرهنگی می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت ارزش‌های مشترک در ردیف مهم‌ترین عوامل همبستگی اجتماعی قرار دارند و عنصر مهم وحدت روانی اشخاص به شمار می‌آیند. تأثیرات شگرف ارزش‌ها در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و . . . در کوتاه مدت و بلند مدت قابل مشاهده است. بیشتر کنش افراد، ناشی از درونی شدن ارزش‌های جامعه در طی دوره رشد فرد است و درونی شدن ارزش‌ها در هر نسل به پیدایش «نسل ارزشی» آن جامعه در مقطعی خاص می‌انجامد و این دریچه‌ای است که از آن می‌توان به مسئله تفاوت نسل‌ها و در مرحله حادث‌تر به شکاف نسل‌ها در دوره‌هایی از حیات نگریست و درباره آن تأمل کرد.

در این پژوهش می‌خواهیم تفاوت نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی بین دو نسل ( جوانان - والدین ) شهر گیلان غرب را در سال ۸۵-۱۳۸۴ بررسی کنیم.

## طرح مسئله

ارزش‌ها درونی‌ترین لایه‌های شخصیت انسان‌ها هستند و شناخت مطلوب واقعیت‌های درونی هر کس منوط به شناخت ارزش‌ها و نگرش‌های ارزشی اوست. ارزش‌ها در بعد فردی و روانی، مهم‌ترین منبع برای جهت‌گیری، درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید و نگرش‌ها هستند که فرد در فرآیند جامعه‌پذیری آنها را به دست می‌آورد و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ می‌سازد. ارزش‌ها در زمره مشخصه‌های مهم جوامع‌اند که اهمیت آنها بر کسی پوشیده نیست. همچنین به مثابه پدیده‌های اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌گیری، کنترل و پیش‌بینی کنش‌ها و گرایش‌های افراد جامعه داشته، عنصری مرکزی در ساختار فرهنگی جوامع به شمار می‌روند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۷).

نگرش‌ها واسطه میان شناخت‌ها و رفتارها تلقی می‌شوند. نگرش نوعی جهت‌گیری مبتنی بر ارزشیابی از چیزها و امور است. گرایش‌ها برفرآیندی از آگاهی فردی دلالت دارند و نگرش‌های افراد ناشی از گذشته آنها و تجربیات مختلف زندگی است (محسنی، ۱۳۷۹).

کم و کیف گرایش‌ها و باورهای نسل جوان و نسبت آن با نسل‌های پیشین به یکی از پرسش‌های محوری جامعه‌ایرانی تبدیل شده است. در این نکته نمی‌توان تردید کرد که برخی باورها و الگوهای رفتاری نسل جوان با نسل پیشین متفاوت است.

اعتقاد بر این است که جوانان در همه جوامع معمولاً به نظم اجتماعی موجود کم‌تر متعهدند و بیشتر مستعد ایجاد تغییر و دگرگونی در این نظام‌اند. در مقابل نسل بزرگسال محافظه‌کارتر و حافظ نظم اجتماعی است و با منابع سنتی ارزش‌ها و هنجارها پیوند محکم‌تری دارد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که میان این دو گروه فاصله بین نسلی شکل گیرد.

نسل بزرگسال در برابر تغییرات بیشتر مقاومت می‌کند و تغییر در میان گروه‌های جوان‌تر با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. بنابراین با تغییر و تحولات اجتماعی، تفاوت‌های بین نسلی پدید می‌آید که از آن، گاه به تعارض یا شکاف نسلی تعبیر می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

در اینکه در نگرش‌ها و ارزش‌های دو نسل (جوانان و والدین) تفاوت وجود دارد، تردیدی نیست؛ اما اگر از حد معمول تجاوز کند مسئله‌ساز است. در این تحقیق تفاوت نگرش‌ها و ارزش‌های دو نسل فرزندان و والدین را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## چارچوب نظری

جامعه‌شناسی علمی است که حتی در تجربی‌ترین شکل خود نیز با نظریه سروکار دارد، اگرچه تقریباً همه جامعه‌شناسان در این باره اتفاق نظر دارند. هریک از مکاتب جامعه‌شناسی درباره معنای نظریه، رابطه آن با واقعیت‌چگونگی کاربرد و آزمون آن تعریف خاصی ارائه می‌دهند. بیلی در کتاب «نظریه اجتماعی در عمل» می‌نویسد: نظریه در جامعه‌شناسی نقش پیچیده‌ای دارد، نظریه در این رشته همچون سایر رشته‌ها ایجاد انگیزه می‌کند، وحدت می‌بخشد و ما را به تحقیق هدایت می‌کند (توسلی، ۱۳۷۹: ۲۳). نظریه مجموعه قانون‌هایی است که بر مبنای قواعد منطقی با یکدیگر در ارتباط بوده، مبین بخشی از واقعیت باشند. به این ترتیب، رکن اساسی نظریه قانونمندی است. به بیان دیگر، نظریه گفتاری است که بیانگر رابطه علت و معلولی پدیده‌هاست. به طور کلی هر فرد انسانی هنگامی که به تجرید، تعمیم، پیش‌گویی، انتخاب و تصمیم‌گیری می‌پردازد، متکی به نظریه است و این یک قانون عام و همگانی است (همان منبع: ۲۵ و ۲۸).

نظریه به معنای دقیق آن یعنی مجموعه‌ای از قضایای به هم مربوط که یک نظام نظری را می‌سازد و با رجوع به آن می‌توان درباره داده‌های یافت شده، استنتاج و تفسیر نظری ارائه نمود (تنهایی، ۱۳۸۳: ۱۳۲). از نظریه فوائد متعددی انتظار می‌رود که به بعضی از آنها به طور خلاصه اشاره می‌شود:

- نظریه می‌تواند افکار جدیدی در روند حل مسائل نظری برانگیزد.
  - نظریه ممکن است الگوهایی از موضوعات و مسائل مورد بحث ارائه دهد؛ به طوری که بتوان یک توصیف جامع و طرح گونه از آنها عرضه کرد.
  - تجزیه و تحلیل و نقد هر نظریه ممکن است به نظریات تازه ای منجر گردد.
  - نظریه ممکن است الهام بخش فرضیات علمی تازه ای باشد (توسلی، ۱۳۷۹: ۲۹).
- اینگلهارت داده‌های چند فرهنگی جوامع مختلف را جمع آوری کرده و آنها را با توجه به آثار نسل و سن تحلیل نموده است. وی می‌گوید تغییر ارزشی روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد، نه به طور مداوم از سالی به سال دیگر (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۲). اینگلهارت ضمن تقسیم بندی ارزش‌ها به دو دسته ارزش‌های مادی و ارزش‌های فرامادی معتقد است که نظریه مادی- فرامادی بر دو فرض اساسی استوار است:

۱. فرضیه کمیایی که در آن اولویت فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی اش است، به نحوی که شخص بیشترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آنها نسبتاً کم است.
۲. فرضیه اجتماعی شدن که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم در سال‌های قبل از بلوغ وی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۶۱).

این دو فرضیه با هم مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند؛ در حالی که فرضیه کمیایی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که ارزش‌های فردی و ارزش‌های یک جامعه هیچ کدام یک شبه تغییر نمی‌کند. بر عکس، دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و بیشتر به طرز نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که یک نسل جانشین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می‌شود (همان، ۷۷).

بر همین اساس، اینگلهارت در کار خود حضور مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را باعث تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب پیامدهایی برای نظام می‌داند.

وی تغییرات در سطح سیستم را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیع‌تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند (همان، ۵).

اینگلهارت در آزمون فرضیه اجتماعی شدن نسل‌ها و تفاوت ارزشی میان گروه‌های سنی دست به یک تحلیل چند متغیری می‌زند که متغیر تابع آن نمایه ارزش‌های مادی - فرامادی است. متغیرهای پیش‌گویی کننده عبارت‌اند از: گروه سنی پرسش شونده، درآمد وی، وضعیت تأهل، تعداد بچه‌ها و وضعیت اشتغال وی (همان، ۹۹). به نظر اینگلهارت یکی از مؤلفه‌های مهم دگرگونی ارزشی جایگزینی نسلی است. اینگلهارت برای چرخه زندگی تأثیر چندانی قائل نیست و تفاوت‌های پایدار بین گروه‌های سنی را بازتاب دگرگونی نسلی می‌داند و نظریه دگرگونی ارزشی که دلالت بر جابجایی اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی دارد را به توسعه اقتصادی جوامع ارتباط می‌دهد تا جایی که برای نهادهای فرهنگی در این دگرگونی چندان وزنی قائل نیست. جوانان به مراتب بیشتر از بزرگ‌ترها بر خواسته‌های فرامادی تأکید می‌ورزند و تحلیل گروه‌های سنی مبین این است که این موضوع به مراتب بیشتر بازتاب دگرگونی نسل‌هاست تا انعکاس سالخوردگی. اینگلهارت دگرگونی حاصل شده در جامعه بر مبنای تحولات اقتصادی و اجتماعی را در قالب دگرگونی فرهنگی در چارچوب سمت‌گیری‌های ارزشی که منجر به تفاوت نسلی می‌شود تعریف می‌کند. در نتیجه، دگرگونی‌های فرهنگی مهم به تفاوت در میان نسل‌ها می‌انجامد (همان، ۱۱۵).

صنعتی شدن و مدرنیزه شدن دو مفهوم کلیدی در تغییرات اجتماعی‌اند. صنعتی شدن منجر به جامعه صنعتی و مدرنیزاسیون منجر به جامعه مدرن شد. بعد مهم صنعتی شدن اهمیت تسلط فرهنگی است که در آن، ارزش‌ها و هنجارها بر پایه سرمایه‌داری رشد یافته شکل می‌گیرند.

مدرنیزاسیون نیز صرفاً شامل متغیرهای بیرونی نمی‌شود، بلکه شامل انتقال اجزای فرهنگی دینی نگرش‌ها، عقاید و رفتار نیز می‌شود. مدرنیزاسیون موجب پیدایش ارزش‌های پست مدرن در جوامع پیشرفته صنعتی مانند علایق زیبا شناختی و خردمندی، جامعه بیشتر آموزش‌دیده و غیر شخصی است. (خالقی فر، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۳). در این باره اینگلهارت می‌گوید: تحول فرهنگی خیلی وسیعی در فرهنگ معاصر غرب رخ داده است. همچنین وی ابراز می‌دارد که خیزش سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش و اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها می‌شود.

اینگلهارت و ابرامسون در تئوری تغییر ارزش بین نسل‌ها به افزایش سطح تحصیلات که خود از مؤلفه‌های مدرنیزاسیون است، تأکید می‌کنند. افزایش تحصیلات رسمی افراد و تجارب شغلی آنها به افراد کمک می‌کند که استعدادهایشان را برای تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند (Ingelhart, 2000: 15-19).

## فرضیه‌های تحقیق

با توجه به آنچه گفته شد، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- بین نگرش دو نسل در مورد سن ازدواج پسر و دختر تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین دو نسل از نظر نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی ازدواج تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین دو جنس از نظر نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی ازدواج تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین استفاده از رسانه‌ها و سطح تحصیلات جوانان و والدین ارتباط وجود دارد.
- ۵- بین استفاده از میزان رسانه‌ها در میان دو نسل والدین و جوانان تفاوت وجود دارد.

## روش تحقیق و تکنیک گردآوری داده‌ها

روش تحقیق در مطالعه حاضر به صورت پیمایشی و از نوع توصیفی-تبیینی است. به لحاظ معیار زمان، مطالعه مقطعی بوده و به لحاظ معیار ژرفایی از نوع پهنانگر است.

جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه از طریق مصاحبه و با استفاده از پرسشنامه صورت می‌گیرد. برای این منظور بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی، آزمون مقدماتی آن و تهیه پرسشنامه نهایی اقدام به جمع‌آوری داده‌ها شده است. پرسشنامه هم حاوی تعدادی گویه به شیوه مقیاس لیکرت است و هم شامل تعدادی سؤالات که ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تهیه و دسته‌بندی پرسشنامه بر مبنای چارچوب نظری تحقیق صورت می‌گیرد.

## جامعه آماری و تعداد نمونه

جامعه آماری این پژوهش، جوانان واقع در سنین ۲۰-۲۵ سالگی و والدین آنها در سنین ۴۰-۶۰ سال است که در سال ۸۴ ساکن شهر گیلان غرب بوده‌اند. حجم نمونه معادل ۲۴۰ نفر تعیین شد که شامل ۱۲۰ نفر والدین و ۱۲۰ نفر فرزندان آنهاست.

## روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌گیری چند مرحله‌ای (multistage cluster sampling) استفاده شده است. کار اصلی این است که ابتدا از میان مناطق بزرگ نمونه‌گیری می‌شود و رفته رفته از هر منطقه بزرگ واحدهای کوچک تری انتخاب می‌شوند. در نهایت کار به انتخاب نمونه‌ای از خانوارها و استفاده از روشی برای انتخاب افراد در خانوارهای منتخب ختم می‌شود (دواس، ۱۳۸۳: ۷۴). برای اینکه پوشش مناسبی از جامعه آماری داشته باشیم، چند کار انجام شد:

۱. سعی شد حجم کل نمونه در میان طبقات اقتصادی، اجتماعی در سطح شهر به نسبت موجود، تقسیم شود.
۲. از هر کدام از مناطق بالا، میانی و پایین بین ۱۰ الی ۱۵ محله به صورت تصادفی برگزیده شدند.
۳. از هر محله چندین کوچه و خیابان فرعی انتخاب گردید.
۴. در هر کوچه یا آپارتمان بیش از ۵ نمونه برگزیده نشده است. هدف از این امر کاهش سوگیری به لحاظ تشابه نمونه‌هاست.

## روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از نرم افزار آماری SPSS استفاده شده است. آمار توصیفی شامل جداول و نمودارهایی است که توزیع فراوانی، درصد، درصد تراکمی و ... پاسخگویان را در بر می‌گیرد. آمار استنباطی نیز شامل آزمون‌های آماری t-test دو گروه مستقل، خی دو و ضریب همبستگی اسپیرمن برای تبیین فرضیه‌های پژوهشی است.

## یافته‌های توصیفی

۴۷/۵ درصد جوانان نمونه آماری پسر و ۵۲/۵ درصد از جوانان دارای جنسیت دخترند. در واقع در نمونه آماری، دختران ۵ درصد بیشتر از پسران‌اند. بیشترین فراوانی و درصد (۱۸/۴٪) سن جوانان نمونه آماری مربوط به سن ۲۵ سال و کمترین فراوانی و درصد (۱۵٪) سن نمونه آماری مربوط به سن ۲۱ سال است. با توجه به اینکه فراوانی‌های سن جوانان تقریباً برابر است، می‌توان گفت توزیع نرمال است. بیشترین درصد سطح تحصیلات به ترتیب مربوط به سطح تحصیلات دیپلم (۴۳/۳٪)، لیسانس (۲۵٪) و فوق دیپلم (۱۷/۵٪) است و کمترین درصد سطح تحصیلات نمونه آماری به ترتیب به سطح تحصیلات زیردیپلم (۱۰٪) و فوق لیسانس (۴/۲٪) اختصاص دارد. بیشترین درصد نوع شغل جوانان به ترتیب مربوط به مشاغل آزاد (۳۰٪)، دانشجو (۲۶/۶٪) و کارمند (۱۷/۵٪) است و کمترین نوع شغل جوانان نمونه آماری به شغل خانه داری (۷/۵٪) اختصاص دارد. همچنین ۳/۴ درصد جوانان بیکار بوده‌اند. ۱۵ درصد جوانان نمونه آماری نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. حداقل درآمد جوانان صفر و حداکثر بیش از ۲۰۰ هزار تومان است. ۳۳/۳ درصد جوانان نمونه آماری عنوان کرده‌اند که درآمدی ندارند. ۳۱/۷ درصد نیز حداکثر ۸۰۰,۰۰۰ هزار تومان درآمد ماهیانه آنهاست. همچنین ۸/۳ درصد نیز دارای بیش از ۲۰۰,۰۰۰ تومان در ماه درآمد دارند.

۶۵ درصد والدین نمونه آماری مرد و صرفاً ۳۵ درصد از والدین، زن‌اند. در واقع مردان در نمونه آماری ۳۰ درصد بیشتر از زنان‌اند. بیشترین فراوانی و درصد سن والدین مربوط به سنین ۴۰ تا ۵۰ سال است که بر روی هم ۶۴/۲ درصد نمونه آماری والدین را به خود اختصاص داده است. همچنین سنین بین ۵۶ تا ۶۰ سال، درصد کمتری (۱۲/۵٪) از نمونه آماری والدین را به خود اختصاص داده است. بیشترین درصد سطح تحصیلات به ترتیب مربوط به سطح تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم (۳۸/۳٪)، ابتدایی (۲۱/۷٪) و زیر دیپلم (۲۰٪) است و کمترین درصد سطح تحصیلات نمونه آماری به ترتیب به سطح بی‌سواد (۱۰/۸٪) و لیسانس (۹/۲٪) اختصاص دارد. بیشترین درصد مشاغل والدین به ترتیب مربوط به خانه داری آزاد (۳۵٪)، آزاد (۲۹/۲٪) و کارمند (۲۰٪) است. همچنین ۱۱/۷ درصد والدین بازنشسته و ۴/۱ درصد والدین نمونه آماری نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند.

## یافته‌های استنباطی

در فرضیه اول تفاوت بین نگرش دو نسل والدین و جوانان نسبت به سن مناسب ازدواج دختر و پسر به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین نگرش دو نسل در مورد

سن ازدواج پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد.

مثلاً نگرش دو نسل (والدین و جوانان) در خصوص سن مناسب ازدواج برای پسران کاملاً متفاوت بوده و این تفاوت از طریق آزمون آماری  $t$  استودنت مورد آزمون قرار گرفت. با توجه به اینکه مقدار  $t$  به دست آمده (۴/۶۲) با درجه آزادی ۲۳۸ در سطح آلفای ۰/۰۱ از مقدار  $t$  جدول (۲/۷۵) بزرگتر بود، می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان گفت که بین نگرش دو نسل والدین و جوانان نسبت به سن مناسب ازدواج پسران تفاوت وجود دارد. میانگین سن ازدواج پسران از نظر جوانان ۲۶/۳۵ سال است، در حالی که میانگین سن ازدواج پسران از نظر والدین ۲۴/۸۵ سال است.

در ارتباط با سن مناسب ازدواج دختران، بین نگرش دو نسل تفاوت مشهودی دیده نشد. این تفاوت از طریق آزمون آماری  $t$  استودنت مورد آزمون قرار گرفت. با توجه به اینکه مقدار  $t$  به دست آمده (۱/۷۵) با درجه آزادی ۲۳۸ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار  $t$  جدول (۲/۷۵) کوچکتر بود، می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان گفت که بین نگرش دو نسل نسبت به سن مناسب ازدواج دختران تفاوت وجود ندارد. میانگین سن ازدواج دختران از نظر جوانان ۲۲/۲۱ سال است، در حالی که میانگین سن ازدواج دختران از نظر والدین ۲۲/۷۲ سال است.

در فرضیه دوم تفاوت بین دو نسل والدین و جوانان در ارتباط با نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی ازدواج یعنی ملاک‌های هفتگانه (زیبایی - نجابت - تحصیلات بالا - اصالت خانوادگی - پولدار بودن - توانایی تأمین معاش - خوش اخلاقی) و برخی از گویه‌های مرتبط با ارزش‌های اجتماعی ازدواج در جامعه را به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. بر مبنای نتایج به دست آمده بین دو نسل والدین و جوانان در ملاک‌های زیبایی، اصالت خانوادگی، تحصیلات بالا و پولدار بودن تفاوت معناداری وجود دارد؛ چرا که مقادیر  $t$  دو به دست آمده برای چهار ملاک مذکور (۱۲/۲، ۱۰/۳، ۱۵/۴، ۱۱/۳) با درجه آزادی ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار جدول (۹/۴۹) بیشتر است. بنابراین بین دو نسل از نظر نگرش‌ها و ارزش‌های ازدواج در ملاک‌های زیبایی، اصالت خانوادگی، تحصیلات بالا و پولدار بودن تفاوت معناداری وجود دارد.

با نگاهی به فراوانی پاسخ‌ها نسبت به ملاک‌های یادشده ملاحظه می‌شود که جوانان بیشتر از والدین به ملاک‌های زیبای، تحصیلات بالا و پولدار بودن همسر اهمیت می‌دهند، این در حالی است که والدین بیشتر از جوانان به ملاک اصالت خانوادگی اهمیت داده‌اند.

از سوی دیگر، بین دو نسل در ملاک‌های نجابت، توانایی تأمین معاش و خوش اخلاقی تفاوت معناداری دیده نمی‌شود؛ چرا که مقادیر  $t$  دو به دست آمده برای سه ملاک مذکور (۳/۵، ۵/۴، ۶/۴) با درجه آزادی ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار جدول (۹/۴۹) کمترند. بنابراین بین دو نسل از نظر نگرش‌ها و ارزش‌های ازدواج در ملاک‌های نجابت، توانایی تأمین معاش و خوش اخلاقی تفاوت معناداری وجود ندارد.

همچنین پاسخ دو نسل به گویه‌های مربوط به برخی از نگرش‌ها در ارتباط با ازدواج نشان می‌دهد که نسبت به گویه‌های «دختر و پسر قبل از ازدواج باید با هم معاشرت داشته باشند»، «با کسی که والدین مخالف او هستند نباید ازدواج کرد»، «هراسم ازدواج باید باشکوه و پرخرج باشد»، «بهتر است شخص با فامیل ازدواج نکند» و «شرط لازم برای ازدواج عشق است» بین دو نسل، تفاوت معناداری دیده می‌شود؛ چرا که مقادیر  $t$  دو به دست آمده برای گویه‌های پنجگانه مذکور (۲۶/۵، ۲۲/۴، ۱۳/۳، ۱۶/۴ و ۱۱/۸) با درجه آزادی ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار جدول (۹/۴۹) بیشتر است.

با نگاهی به فراوانی پاسخ‌ها نسبت به گویه‌های یادشده ملاحظه می‌شود که جوانان بیشتر از والدین با گویه‌های «دختر و پسر قبل از ازدواج باید با هم معاشرت داشته باشند»، «هراسم ازدواج باید باشکوه و پرخرج باشد»، «بهتر است شخص با فامیل ازدواج نکند» و «شرط لازم برای ازدواج عشق است»، موافق‌اند، در حالی که والدین بیشتر از جوانان با گویه «با کسی که والدین مخالف او هستند نباید ازدواج کرد» موافقت کرده‌اند و این تفاوت‌ها بین دو نسل با ۹۵ یا ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

همچنین پاسخ دو نسل نسبت به گویه ششم نشان می‌دهد که بین نگرش دو نسل والدین و جوانان

نسبت به گویه فوق (در صورت عدم تفاهم بین زوجین باید طلاق بگیرند) تفاوت معناداری دیده نمی‌شود، چرا که مقدار خی دو به دست آمده (۳/۲) با درجه آزادی ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار جدول (۹/۴۹) کمتر است.

در فرضیه سوم تفاوت بین دو جنس مردان و زنان در ارتباط با نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی ازدواج یعنی ملاک‌های هفتگانه (زیبایی - نجابت - تحصیلات بالا - اصالت خانوادگی - پولدار بودن - توانایی تأمین معاش - خوش اخلاقی) و برخی از گویه‌های مرتبط با ارزش‌های اجتماعی ازدواج در جامعه جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. بر مبنای نتایج به دست آمده، بین دو جنس مرد و زن در ملاک‌های زیبایی، تحصیلات بالا، توانایی تأمین معاش و پولدار بودن تفاوت معناداری وجود داشت؛ چرا که مقادیر خی دو به دست آمده برای چهار ملاک مذکور (۱۳/۸، ۱۰/۸، ۱۳/۴ و ۱۶/۲) با درجه آزادی ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار جدول (۹/۴۹) بیشتر است. بنابراین بین دو جنس زنان و مردان از نظر نگرش‌ها و ارزش‌های ازدواج در ملاک‌های زیبایی، تحصیلات بالا، توانایی تأمین معاش و پولدار بودن تفاوت معناداری وجود دارد.

با نگاهی به فراوانی پاسخ‌ها نسبت به ملاک‌های یادشده ملاحظه می‌شود که زنان بیشتر از مردان به ملاک‌های تحصیلات بالا، توانایی تأمین معاش و پولدار بودن همسر اهمیت می‌دهند، این در حالی است که مردان بیشتر از زنان به ملاک زیبایی اهمیت داده‌اند.

از سوی دیگر، بین دو جنس مردان و زنان در ملاک‌های نجابت، اصالت خانوادگی و خوش اخلاقی تفاوت معناداری دیده نمی‌شود؛ چرا که مقادیر خی دو به دست آمده برای سه ملاک مذکور (۴/۳، ۷/۱ و ۵/۵) با درجه آزادی ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار جدول (۹/۴۹) کمتر است. بنابراین بین دو جنس از نظر نگرش‌ها و ارزش‌های ازدواج در ملاک‌های نجابت، اصالت خانوادگی و خوش اخلاقی تفاوت معناداری وجود ندارد.

همچنین پاسخ دو جنس به برخی از نگرش‌ها در ارتباط با ازدواج نشان می‌دهد که بین نگرش دو جنس نسبت به گویه‌های «با کسی که والدین مخالف او هستند نباید ازدواج کرد» و «مراسم ازدواج باید باشکوه و پرخرج باشد»، تفاوت معناداری دیده می‌شود؛ چرا که مقادیر خی دو به دست آمده برای دو گویه مذکور (۲۴/۳ و ۱۴/۵) با درجه آزادی ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار جدول (۹/۴۹) بیشتر است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد بین دو جنس زنان و مردان از نظر نگرش نسبت به گویه‌های مذکور تفاوت معناداری وجود دارد.

با نگاهی به فراوانی پاسخ‌ها نسبت به گویه‌های یادشده ملاحظه می‌شود که زنان بیشتر از مردان با گویه‌های «با کسی که والدین مخالف او هستند نباید ازدواج کرد» و «مراسم ازدواج باید باشکوه و پرخرج باشد»، موافقت کرده‌اند و این تفاوت‌ها بین دو جنس با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

همچنین پاسخ دو جنس نسبت به گویه‌های «دختر و پسر قبل از ازدواج باید با هم معاشرت داشته باشند»، «بهتر است شخص یا فامیل ازدواج نکنند»، «شرط لازم برای ازدواج عشق است» و «در صورت عدم تفاهم بین زوجین باید طلاق بگیرند» نشان می‌دهد که بین نگرش دو جنس نسبت به گویه فوق تفاوت معناداری دیده نمی‌شود؛ چرا که مقادیر خی دو به دست آمده (۸/۲، ۸/۴، ۷/۸ و ۳/۲) با درجه آزادی ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار جدول (۹/۴۹) کمتر است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین دو جنس زنان و مردان از نظر نگرش نسبت به گویه‌های مذکور تفاوت معناداری وجود ندارد.

در فرضیه چهارم ارتباط بین میزان استفاده از رسانه‌ها و سطح تحصیلات جوانان و والدین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین سطح تحصیلات پاسخگویان (جوانان و والدین) و بعضی از رسانه‌ها ارتباط معناداری وجود دارد و با بعضی از آنها ارتباط معناداری دیده نمی‌شود که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

بر مبنای نتایج آزمون‌های ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان تحصیلات پاسخگویان و میزان استفاده از کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ویدئو و ماهواره می‌توان گفت بین سطح تحصیلات پاسخگویان و میزان



مطالعه کتاب و روزنامه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ چرا که مقادیر ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۲۲۱ و ۰/۱۵۳) با تعداد ۲۴۰ نفر در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار ضریب همبستگی جدول (۲=۰/۱۲۸) بیشتر است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین میزان استفاده از کتاب و روزنامه و تحصیلات جوانان و والدین ارتباط معناداری وجود دارد.

به بیان بهتر، با افزایش سطح تحصیلات و سواد پاسخگویان (جوانان و والدین)، میزان استفاده آنها از کتاب و روزنامه و مطالعه آنها افزایش می‌یابد و برعکس، با کاهش سطح تحصیلات پاسخگویان میزان مطالعه کتاب و روزنامه نیز کاهش می‌یابد.

همچنین نتایج دیگر نشان داد که بین سطح تحصیلات پاسخگویان، از یک سو و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی رادیو، تلویزیون، ویدئو و ماهواره رابطه معناداری وجود ندارد؛ چرا که مقادیر ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۰۶۶-، ۰/۱۱۴، ۰/۰۴۹، ۰/۰۸۳) با تعداد ۲۴۰ نفر در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار ضریب همبستگی جدول (۲=۰/۱۲۸) کمتر است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی رادیو، تلویزیون، ویدئو و ماهواره و سطح تحصیلات جوانان و والدین ارتباط معناداری وجود ندارد.

در فرضیه پنجم تفاوت بین دو نسل والدین و جوانان در استفاده از رسانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین دو نسل در ارتباط با استفاده از رسانه‌های ششگانه (کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ویدئو و ماهواره) تفاوت معناداری وجود دارد؛ چرا که مقادیر  $\chi^2$  دو به دست آمده برای رسانه‌های ششگانه مذکور (۲۱/۶، ۲۳/۲، ۱۳/۵، ۳۰/۶، ۵۱/۷ و ۱۰/۳) با درجه آزادی ۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار جدول (۹/۴۹) بیشتر است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین دو نسل در ارتباط با استفاده از رسانه‌های ششگانه (کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ویدئو و ماهواره) تفاوت معناداری وجود دارد.

## منابع

۱. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. مریم وتر. تهران: انتشارات کویر
۲. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی تاریخی. بهمن برنا
۳. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۹) نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت
۴. دواس، دی.ای (۱۳۸۳) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ ناییب. تهران: نشر نی
۵. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران. تهران: انتشارات دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور
۶. یوسفی، نریمان (۱۳۸۳) شکاف بین نسل‌ها. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
7. Inglehart, Ronald & Baker, Rande E. (2000) "Modernization, cultural change and the persistence of traditional values". American sociological Review. Vol. 65.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی